

به نام آفریدگار هستی بخش

میل به تغییر و تحوّل یکی از ویژگی‌های برجسته آدمی است. ایجاد دگرگونی و بازنگری رفتار و جریان‌های فکری، علمی و آموزشی و... مایه حیات و دوام فرهنگ یک ملت می‌شود.

در این میان تغییر محتوا و ساختار کتب درسی که آهنگ آن از اوایل انقلاب اسلامی آغاز شده است و هنوز هم ادامه دارد، بر نامه ریزان و مؤلفان را به نقد و بازنگری و تحوّل در کیفیت و کمیت مواد آموزشی واداشته است. کتاب‌های درسی هر از چند گاهی به طور کلی یا جزئی دستخوش تغییر می‌شوند و این تغییرات بازتاب‌های گوناگونی را در محافل علمی، فرهنگی و آموزشی - به ویژه در بین پژوهشگران و ناقدان - به دنبال دارد.

کتاب جدیدالتألیف تاریخ ادبیات ایران و جهان سال دوم - رشته علوم انسانی - دبیرستان، که اخیراً به چاپ رسیده در شمار آثاری است که نقد و نظرهای گوناگونی را در پی دارد و به دلیل تغییرات عمده‌ای که در کتاب چاپ ۱۳۷۸ نسبت به کتاب جدید به وجود آمده، در بوته نقد و بررسی قرار دادن کتاب ضرورت تام دارد.

این جانب که دبیر شاغل در آموزش و پرورش ناحیه (۲) مشهد - رشته زبان و ادبیات فارسی - هستم با

تأمل و درنگی که در کتاب تاریخ ادبیات ایران و جهان تألیف ۱۳۷۹، داشته‌ام، بر خود لازم دیدم که توجه مؤلفان و ویراستاران کتاب را در وهله اول و سپس همکاران گرامی را به نکات ذیل جلب نمایم:

۱- تدریس کتاب در مقطع دبیرستان به ویژه بخش دوم آن «تاریخ ادبیات جهان» جز با آگاهی و درک عمیق و گسترده همکاران از مکاتب ادبی اروپا قطعاً میسر نیست. از سویی دیگر کدام همکار مدرسی را سراغ دارید که در مقطع کارشناسی یا کارشناسی ارشد حتی دو واحد درسی تحت عنوان «آشنایی با مکاتب ادبی جهان» گذرانده باشد تا بتواند در میدان کلاس و درس آموخته‌های خود را به صورتی موجز و در عین حال تحلیلی و علمی در اختیار فراگیران قرار دهد؟!!

۲- ضرورت تام داشت که پیش از تألیف این کتاب دست کم دوره کوتاه مدتی تحت عنوان «بررسی و آشنایی با مکاتب ادبی جهان» برای دبیران محترم و دلسوز ادبیات گذاشته می‌شد، تا با توشه‌ای وافر در کلاس‌های درس حاضر می‌شدند و با انگیزه و شناخت پیشین از تغییرات کتاب، تدریس آن نیز عمیق‌تر و دقیق‌تر می‌گشت، نه این که بدون پیش در آمد و اطلاع قبلی یکباره با افزایش حجم حدوداً ۲۵٪ در کتاب مواجه شوند. همچنین بدون در نظر گرفتن سطح علمی و ذهنی مخاطبان (دانش آموزان سال دوم دبیرستان) و زمان و کیفیت آموزشی، تدریس کتاب با مشکلات عدیده‌ای همراه خواهد بود.

۳- به نظر می‌رسد محتوای بخش «تاریخ ادبیات جهان» برای فراگیران دبیرستانی قدری سنگین و

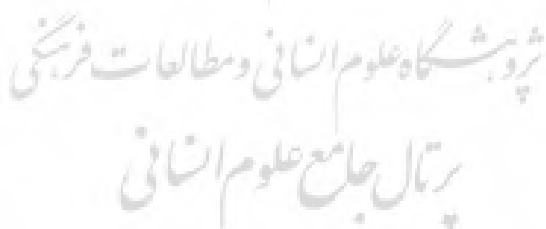
آموزش و تفهیم آن دشوار است؛ آن هم به دلیل عدم مطالعه جنبی دانش‌آموزان و کم اطلاعی آنان از سیر تحولات ادبی در جهان و به ویژه مکاتب ادبی اروپاست. ۴- جایگاه و چگونگی تدریس بخش پایانی کتاب روشن نیست. آیا همزمان و به موازات تدریس بخش اول باید تدریس شود یا توالی تدریس طبق بخش‌های سامان یافته کتاب است؟!!

اگر تدریس دو بخش کتاب از آغاز تا پایان طبق برنامه زمان بندی سال تحصیلی باشد به نظر می‌رسد - با توجه به همزمانی تدریس این مطالب و پایان سال تحصیلی - فراگیران جز روخوانی مطالب بخش دوم، فرصت بررسی و تحلیل عمیق آن درس‌ها را نخواهند داشت.

۵- بخش دوم کتاب از نظر ویرایش فنی نیاز به بازنگری جدی دارد.

بیشترین اشکالات سهوی یا مربوط به رسم الخط (شکل املائی) کلمات تشدیددار است. ۱۰۳ واژه در بخش دوم کتاب وجود دارد که تشدید در آنها لحاظ نشده است.

اگر نظر مؤلفان یا ویراستاران این بوده که واژه‌های یاد شده برای پارسی زبانان اشکال معنایی یا آوایی نمی‌کند، پس طبق یک بخش نامه که مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی باشد این موضوع را اعلام و مشخص نمایند که از این پس رسم الخط واژگانی که دارای تشدید هستند، بی تشدید هم نوشته شوند، بلامانع است. و اگر جز این است باید رسم الخط یکسان و واحدی را برگزیده، آن را در تمام کتب درسی



منصور سلیمی

نقد واره‌ای به کتاب

تاریخ ادبیات ایران و جهان

اعمال کنیم نه این که در برخی موارد از علامت «ت» استفاده نموده و در بسیاری موارد دیگر از آن چشم پوشی نماییم.

انتظار این نیست که مؤلفان یا ویرایشگران در کتابی مانند تاریخ ادبیات ایران و جهان که به بررسی آثار ادبی و آفریدگاران در دریای دری می پردازد، تا این حد اهمال نمایند که کتاب آکنده از غلط‌های فاحش املائی باشد و از طرفی در کتاب‌های زبان-فارسی عکس موضوع را به فراگیران آموزش دهند و آنها را با «باید و نباید»ها سرگرم نمایند!

ذکر چند مورد ذیل گواه مدعاست:

- ۱- صفحه ۱۸۹، دو سطر به آخر مانده: معری ← معری: سطر پایانی نیز: معری ← معری
- ۲- صفحه ۱۹۴، سطر ۱۴، عزت ← عزت
- ۳- صفحه ۲۱۶، سطر ۳، متخصص ← متخصص
- ۴- صفحه ۲۲۳، سطر ۱۲، مدعی ← مدعی
- ۵- صفحه ۲۳۷، سطر ۲۱، جدی ← جدی

۶- بی‌توجهی در به‌کارگیری نشانه «ت» بر حرفی که در کلمه مشدد است. [این مورد را با مورد (۵) مقایسه نمایید.]

به عنوان مثال در:

- ۱- صفحه ۱۷۳، سطر ۴: ملمات ← ملقات
- ۲- صفحه ۱۷۳، سطر ۴: ملاقات ← ملقات
- ۷- عدم برخورداری کتاب از فهرست منابع و مأخذ (مربوط به بخش دوم) راه را بر هر محقق و مدرسی بسته است. لحاظ نمودن فهرست یاد شده در چاپ

۱۳۸۰ ضروری به نظر می‌رسد.

۸- به نظر می‌رسد مؤلفان و به ویژه ویراستاران کتاب برخی از اصول اساسی تحقیق و مرجع‌شناسی را نادیده گرفته‌اند. ناهمگونی در روش ارجاع [در فهرست منابع] فهرست منابع و مأخذ را دچار آشفتگی نموده است و این یا روش علمی ارجاع کتاب، ناسازگار است.

اختلاط روش‌های ارجاع یکی از اشکالات وارد بر کتاب است به عنوان نمونه: در مأخذ (۱) ارجاع براساس نام مؤلف است در حالی که در مأخذ (۳) براساس نام کتاب است، همچنین است مأخذ (۵) و (۸) در صفحه ۲۴۱. ۹- اشکال مهم دیگری که به نظر این جانب قابل تامل است، تصویر «گردن بند زرین» پیش از داستان «گردن بند» در صفحه ۲۲۱ است.

تصویر مربوط به گردن‌بندی از دوره باستان ایران است! در حالی که داستان بستر فرهنگی - جغرافیایی اروپایی دارد و هیچ رابطه منطقی بین زمان - مکان و هم خوانی این دو با داستان ندارد. آن، تصویر و رنگ و بویی کاملاً ایرانی و کهن دارد و این داستان محصول فرهنگی فرنگ با تازگی و طراوت خود به صرف یکی بودن عنوان داستان با تصویر مورد نظر «گردن بند»، یافتن رابطه منطقی و علمی را برای مدرس و فراگیر، در پرده‌ای از ابهام فرو برده است. به زبانی ساده‌تر هر تصویری از هر گردن‌بندی را می‌شد بر فراز داستان جایگزین این تصویر نمود. پس دلیل رجحان تصویرگردن بند عهد باستان پیش از آغاز داستان «گردن بند» اروپایی چیست؟! ۱۰- پاراهای غلط‌های املائی در متن کتاب، نیاز به

اصلاح دارد از جمله:

- ۱۰- ۱- صفحه ۱۶۹، سطر ۳: «تازی مآبانه‌ی عصر انوری» - تازی مآبانه‌ی عصر انوری
- ۱۰- ۲- صفحه ۲۰۶، سطر ۵: «خوپرستی» - خودپرستی
- ۱۰- ۳- صفحه ۲۰۶، سطر ۱۰: «واقعیت‌گریزی» - واقعیت‌گریزی

۱۱- برخی از اشکالات مربوط به عدم رعایت علائم سجاوندی است که اصلاح آنها ضرورت تام دارد. به عنوان نمونه:

- ۱۱- ۱- صفحه ۱۹۱، (خودآزمایی شماره ۷) نشانه «» در بخش اول جمله زائد به نظر می‌رسد.
- «کمندی الهی دانته، را با کدام اثر...» - کمندی الهی دانته را با کدام اثر...

۱۱- ۲- صفحه ۲۱۱، سطر ۱۰: گذاشتن «» پس از «آن» در جمله ضروری است: «من در ازای آن چیزی دیگر به شما می‌دهم» - «من در ازای آن، چیز دیگری به شما می‌دهم.

فرجام سخن این که کتاب جدید التالیف تاریخ ادبیات ایران و جهان نیاز به بازنگری جدی محتوایی و فنی دارد و تدریس آن منوط به آموزش ضمن خدمت دبیران گرامی است.

همچنین اعمال یک شیوه واحد رسم الخط به ویژه در مورد تشدید «ت» ضروری به نظر می‌رسد. امید آن که موارد یاد شده در این مقاله، در چاپ کتاب ۱۳۸۰ مورد توجه قرار گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تاریخ ادبیات ایران و جهان، سال دوم رشته علوم انسانی

وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، چاپ اول، ۱۳۷۹